شرح فقرات «و لا شفيع أنجح من التوبة و لا كنز أنفع من العلم ، و لا عزّ أرفع من الحلم و لا حسب أبلغ من الأدب»

«و لا شفيع أنجح من التوبة»؛ کسی را می‌خواهی که کمک شما کند؛ شفیع کمک کار است؛ اگر می‌خواهی کمک کار داشته باشید، بالاتر از توبه ندارید. «التّائبُ من الذّنبِ كَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ»[1]. یکی از زیباترین روایات، روایت امام جواد علیه‌السلام است که حضرت علیه السلام فرمودند: «رَطِّبْ شَفَتَيْكَ بِالِاسْتِغْفارِ»[2]؛ یعنی لبت خشک نشود؛ رها نکن.

شاگرد: در بعضی از روایات هست کسی که گناه می‌کند، عقلی از او زائل می‌شود که دیگر بر نمی‌گردد. این روایت را با روایت «کمن لا ذنب له» به این صورت می‌توانیم جمع کنیم که آثار وضعی باقی می‌ماند و حتی با تبدیل سیئات به حسنات هم تا آخر عمرش باقی می‌ماند.

استاد: ظاهراً با قوت دلالت روایت توبه، روایتی که می‌گوید عقلش زائل می‌شود، نیازمند توضیح است. چون روایات دیگری خیلی قوت دلالت دارد در اینکه توبه کارهایی می‌کند. «اَلْعَجَبَ مِمَّنْ يَقْنَطُ وَ مَعَهُ اَلْمِفْتاحُ. فَقِيلَ لَهُ: وَ ما اَلْمِفْتاحُ قالَ: اَلِاسْتِغْفارُ»[3]. ممحات پاککن است. خب، حال که در این طرف، روایات خیلی قوی الدلالة است، آن روایت را باید به چه صورت معنا کنیم؟ به ذهنم اینطور می‌آید که آن روایت عینی در لحظات عمر ولو با توبه‌های بعدی از لحاظ صورت وجودی و کمال وجودی او، «یبدل اللّه سیئاته الحسنات» هم صورت می‌گیرد اما وقتی لحظات عمر او را در بستر زمان انسوتی را باز کنید، دیگر نمی‌توان آن لحظه را تغییر داد. آن لحظه این کار را کرده است.

شاگرد: عواقب و آثار وضعی آن لحظه چطور؟

استاد: آثار وضعی آن می‌تواند برطرف شود و لذا گفتم که قوت ادل توبه این است که می‌تواند آثارش را ببرد. «زال عنه عقلٌ» در آن لحظه. آن لحظه دیگر این کار را کرده است. فردا، خداوند متعال، آن را محو می‌کند.

شاگرد: همان لحظه که عقلش برداشته شد، یک عقب افتادگی صورت گرفت.

استاد: عقب افتادگی در باز کردن لحاظات برای خصوص آن لحظه است. نه برای شخص به‌عنوان یک مجموعه شئون. ادله توبه خیلی دلالت قوی دارد. خیلی عجیب است. اینطور که معنا کنید، این با آنها جمع می‌شود.

«ولا كنز أنفع من العلم ، ولا عز أرفع من الحلم»؛ عزت می‌خواهید؟ حلیم باشید. صبر و بردباری داشته باشید. غضب بیخودی نکردن.

«و لا حسب أبلغ من الأدب»؛ مفاخر می‌خواهید ادب، داشته باشید.

---

[1]. شيخ كليني، الكافي، ج ۲، ص ۴۳۵.

[2]. شيخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۱، ص ۱۶۵.

[3]. شیخ طوسی، الأمالي، ج ۱، ص ۸۸.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 نوامبر 2024 15:48:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:47:55 توسط ... .